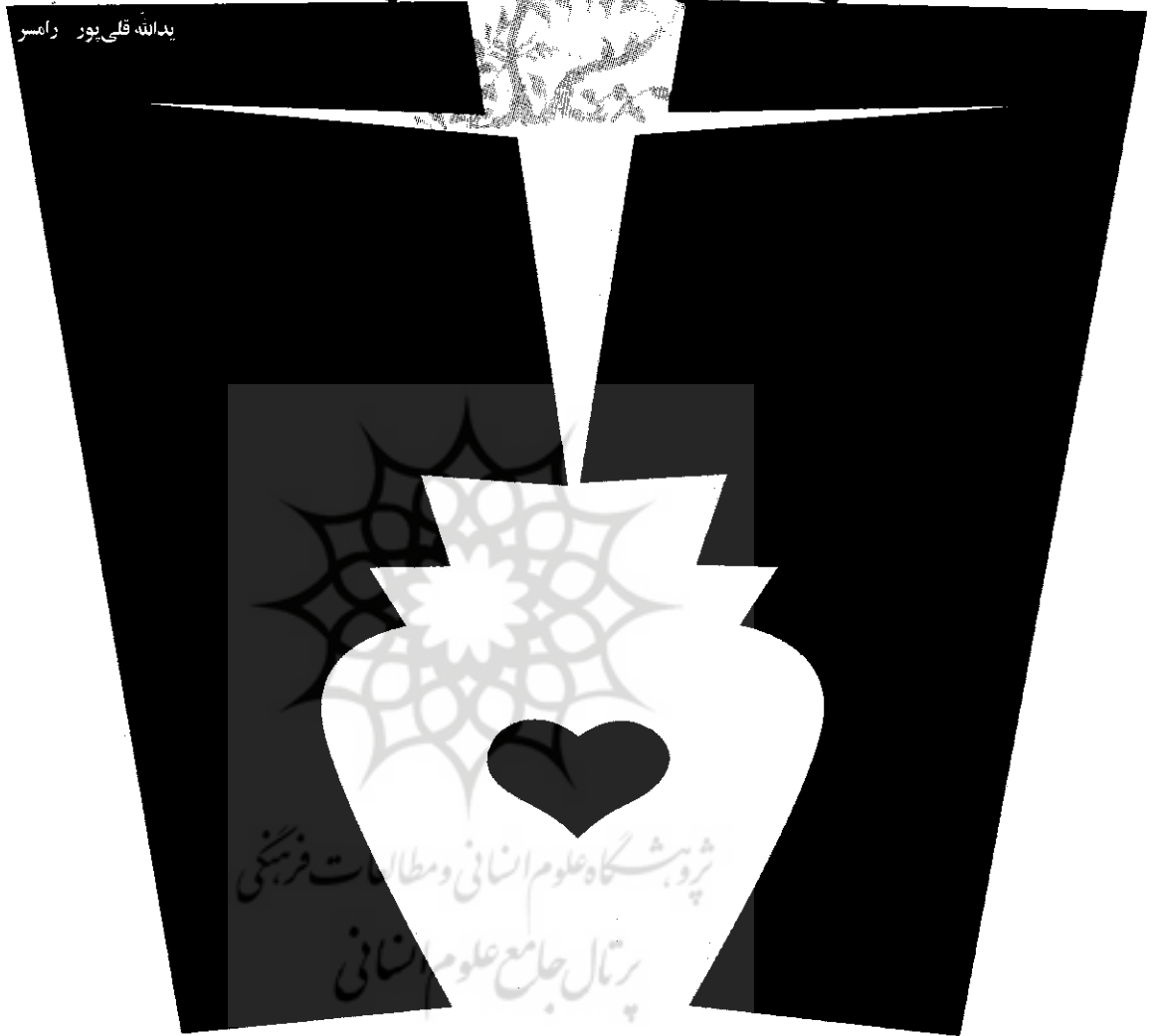


اهمیت دید و بازدید در اسلام

بدان الله فلی نور راسو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

خدا و رسول را خوشحال می‌سازد؛ و چه کار نیکی بهتر از این؟!؛

بسه جاست که این گونه دیدارها سه خاطر خدا و با انگیزه خلوص و عمل به سنت دین باشد، نه براساس طمع‌های دنیوی و انگیزه‌های مادی، سودجویانه و سوداگرانه!

محتوای دیدارها

گاهی رفت و آمدها و زیارت‌ها، به جای سودمندی، زیانبار است و به جای آن که بهره‌تربیتی یا پاداش اخروی داشته

آن‌چه روحیه‌ها را شاداب و زندگی‌ها را با صفا می‌سازد، «دیدار» است. چه دیدارهای دوستانه، چه خویشاوندانه! به‌ویژه اگر در دیدارها، سخنان دلنشین و خاطرات شیرین گفته شود و همفکری در مسیر گشایش مشکلات صورت گیرد.

«زیارت» برادران دینی و «دیدار مؤمنان»، مورد سفارش اولیای دین است؛ که هم رابطه‌های درونی آحاد امت را استوارتر می‌سازد، هم محبت‌ها را می‌افزاید، هم کدورت‌ها را می‌زداید و هم

۵۵

پژوهشگاه

نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی
فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶
شماره ۳۳۱ - ۳۳۰

آنان که پای خود و خانواده خود را از رفت و آمد با افراد با ایمان و خانواده‌های شریف و با فرهنگ می‌برند، راه خیر را به روی خود می‌بندند. مگر نه این که این گونه انزواها، حالتی از یأس و افسردگی برای انسان پدید می‌آورد و نشاط از چنین زندگی‌هایی رخت برمی‌بندد؟!

کنند. این گونه دیدارها سبب احیای امر ما (خط ولایت و رهبری اهل بیت) می‌گردد» (همان منبع). اگر دیدارها، چنین برکت‌هایی نداشته باشد، جز اتلاف وقت و سرمایه چیزی نیست! وقتی جمعی دور هم می‌نشینند و ساعاتی را به صحبت می‌گذرانند، در جمع بندی پایانی، اگر دیدند از آن همه صحبت، چیزی نه در یاد مانده، نه سودی به کف آمده، دریغ از آن اتلاف فرصت! اما اگر بحث‌های علمی و اجتماعی به روشنگری افکار کمک کند، نقل خاطرات و سرگذشت، برای دیگران عبرت آموز و راهگشا باشد، بازگویی حالات دیگران، حس همدردی و کمک رسانی را تقویت کند، این جاست که ملاقات، به بهره‌وری رسیده است.

زیارت مؤمن

در يك جامعة ايماني، هم‌بستگی اهل ایمان ضروری است. این بیوند، در سایه دیدارها پدید می‌آید و استحکام می‌یابد. در روایات، بابی تحت عنوان «زیارة المؤمن» است که به این گونه دیدارها تأکید دارد. امام صادق (ع) فرموده است: «مازار مسلم اخواه المسلم فی الله و لله الا ناداه الله عز و جل: ایها الزائر طبت و طابت لك الجنة» (همان منبع، ص ۱۷۷، حدیث ۱۰). هیچ مسلمانی برادر دینی‌اش را در راه خدا و برای خدا زیارت نمی‌کند، مگر آن که خدای متعال به او ندا می‌دهد: ای دیدار کننده! خوش به حالت، بهشت برای تو سزاوار و گوارا باد!

در این دیدارها، دو رکن وجود دارد: دیدار کننده و دیدار شده (زائر و مزور). آن که پیشقدم در زیارت می‌شود، فضیلت بیشتری دارد و پاداشی افزون‌تر. این سخن پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: «الزائر اخاه المسلم اعظم اجرا من المزور» (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۹۷). آن که برادر مؤمن خود را دیدار می‌کند،

باشد، محصولی جز افزایش گناه یا هدر رفتن فرصت‌ها ندارد. هوشیاران می‌کوشند از همه دیدارها سود ببرند و از تباهی فرصت، جلوگیری کنند.

باید با «حصار شکنی»، خود و زندگی خود را از انزوا درآورد و روحیه جمعی و تعاون و همزیستی را تقویت کرد. آنان که پای خود و خانواده خود را از رفت و آمد با افراد با ایمان و خانواده‌های شریف و با فرهنگ می‌برند، راه خیر را به روی خود می‌بندند. مگر نه این که این گونه انزواها، حالتی از یأس و افسردگی برای انسان پدید می‌آورد و نشاط از چنین زندگی‌هایی رخت برمی‌بندد؟!

امام صادق (ع) به اصحاب خویش سفارش می‌فرمود: «تراوروا و تلاقوا و تذاکروا امرنا و احيوه» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۵). به دیدار و ملاقات یکدیگر بروید و «امر» ما را یاد کنید و به یاد هم آرید و آن را زنده نگهدارید. این حدیث، محتوای سازنده، تربیتی، جهت دار و هدفمند بودن دیدارها را بیان می‌کند. ملاقات‌هایی که شیعیان اهل بیت داشتند، محتوایی مکتبی داشت و به توصیه امام، می‌بایست در مسیر «احیای امر» و زنده نگهداشتن مرام و مکتب و فلسفه سیاسی امامت باشد. تا «امت»، روح و جان یابد و به بیراهه نیفتد.

بهره‌های دیدار

مناسب است در سایه ملاقات‌ها و دید و بازدیدها، خانواده‌ها و افراد، از دردها و مشکلات یکدیگر آگاه شوند و در حد توان، در رفع آن‌ها بکوشند. مشورت، همدلی و همدردی، گوشه‌ای از این بهره‌است و تشریک مساعی در حل معضلات و رسیدگی به نیازمندان، گوشه‌ای دیگر.

«خیمه» می‌گوید: خدمت حضرت امام باقر (ع) رسیدیم تا با آن حضرت خداحافظی کنم. امام فرمود: «ای خیمه! هر کدام از دوستان و هواداران ما را دیدی، سلام ما را به آنان برسان و آنان را به تقوای الهی توصیه کن و سفارش کن که توانگرانشان به فقیران سربرزند، توانمندان به ناتوانان سرکشی کنند، زندگان در تشییع جنازه مردگان شرکت کنند و در خانه‌های هم، یکدیگر را دیدار

پاداشی بزرگتر از شخص دیدار شده دارد.

آنان که «کار» را بهانه کاستن از دیدارها و صلۀ رحمها و رفت و آمدها می‌کنند، باید خود این‌ها را هم کار به حساب آورند، بلکه از بهترین کارها. این، اقتدا به سیره رسول اکرم (ص) است. در حدیث است: هر گاه پیامبر خدا یکی از مسلمانان را سه روز نمی‌دید، از حال او می‌پرسید. در پاسخ سؤال پیامبر، اگر می‌گفتند که غایب است (مثلاً سفر رفته)، برایش دعا می‌کرد. اگر حاضر بود، به دیدارش می‌رفت و اگر بیمار بود به عیادتش می‌شتافت. (مکارم الاخلاق، ص ۱۹).

دیدار حضوری

برخی به هر دلیل، عیادت و زیارت و احوال‌پرسی‌شان «غیر حضوری» است. می‌کوشند تا از طریق این و آن، یا از راه تلفن و نامه احوال‌پرسی کنند و تماس داشته باشند. گرچه از این رهگذر، «کسب اطلاع» می‌توان کرد؛ ولی دیدار رویاروی و نشست و گفت‌وگوی چهره به چهره، حلاوت و برکتی دیگر دارد.

در احادیث، عنوان «تزاور» و «ملاقات» مطرح است. دیدن و ملاقات کردن حضوری، البته احوال‌پرسی تلفنی هم خیلی خوب و نوعی صلۀ رحم محسوب می‌شود، ولی جای «دیدار حضوری» را پر نمی‌کند. نامه نوشتن به اقوام و دوستان نیکوست، اما بار

مناسب است در سایه ملاقات‌ها و دید و بازدیدها، خانواده‌ها و افراد، از دردها و مشکلات یکدیگر آگاه شوند و در حد توان، در رفع آن‌ها بکوشند. مشورت، همدلی و همدردی، گوشه‌ای از این بهره‌هاست و تشریک مساعی در حل معضلات و رسیدگی به نیازمندان، گوشه‌ای دیگر.

سفر بستن و حضوراً خدمت پدر و مادر و بستگان و آشنایان رسیدن و آنان را شاد کردن، ثوابی مضاعف و تأثیری افزون‌تر دارد. می‌گویید نه؟ امتحان کنید!

شما خودتان از دیدار چهره برادر یا فرزند یا دوست بیشتر خوشحال می‌شوید - اگر از سفر آیند - یا از شنیدن صدایشان از آن سوی سیم‌های مخابرات؟ تازه، این خودش نشان محبت بیشتر و صمیمیت و یکدلی در رابطه‌هاست. اگر هنگام درگذشت یکی از اقوام، از دوستان و آشنایان کسی تلگراف تسلیت بفرستد، یا آن که از شهر و محله خود پیش شما آمده، از نزدیک در غمتان شریک شود و در مراسم شرکت کند، کدام یک را صمیمی‌تر می‌یابید؟ رفت و آمد خودتان با دیگران نیز چنین است. هرگز به تلفن و نامه قناعت نکنید و «صدا» و «دستخط» و «عکس» را به جای دیدار حضوری نشانید.

«اویس قرنی» را شنیده‌اید که از مادر اجازه گرفت و از «مین» به «مدینه» آمد تا محبوبش، محمد مصطفی (ص) را یک بار ببیند و برگردد... و چنان شد که پیامبر اکرم (ص) فرمود: من بوی بهشت را از سوی قرن می‌شنوم، چه بسیار مشتاق تو هستم، ای اویس قرنی! «تفوح روایح الجنه من قبل قرن، و اشواقه الیک یا اویس



القرن» (سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۳).

در همین دیدارهای حضوری است که نشاط خاطر و بهره‌وری از تجارب و سخنان نهفته است. امام هادی (ع) فرموده است: «ملافة الاخوان نشره و تلقیح العقل و ان كان تزرا قليلاً» (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۹۸). دیدار برادران، سبب انبساط خاطر و باروری اندیشه است، هر چند کوتاه و اندک باشد.

با این همه آثار و برکات، دیگر چه جای درنگ و بهانه‌جویی و عذر تراشی برای ترك مراد و رفت و آمد؟! برای این گونه دیدارها، باید در بی بهانه بود و هر فرصتی را مغتنم شمرد... البته تا حدی که به مزاحمت نینجامد و موجب اتلاف وقت دیگری نشود.

وقتی کسی از مسافرت بر می‌گردد، یا خداوند به کسی فرزندی عنایت می‌کند، یا ازدواجی صورت می‌گیرد، یا خانه جدیدی خریداری می‌شود، یا خدای ناکرده بیماری و کسالتی برای کسی پیش می‌آید، این‌ها همه بهانه: «تجدید عهد» و دیدار حضوری است. حتی اگر او هم مهمانی ندهد، در صورت فراهم بودن شرایط، رفتن به دیدار و گفتن خوشامدی، تهنیتی، تبریکی، تسلیتی، خدا شفا دهد، چشم روشنی و... مناسب است و این دیدارها مایه تحکیم دوستی‌هاست.

پیامبر رحمت فرمود: «الزیراره تنبت الموده» (سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۷). دیدار، دوستی آور است.

دیدار کریمانه

چه خوب است که در دیدارها، قصد قربت کنید و این‌ها را به حساب خدا بگذارید. اگر معامله و سودا هم می‌کنید، با خدا سودا کنید، تا اجر ببرید. نگوئید: من چند بار رفتم، آن‌ها نیامده‌اند. نوبتی هم که باشد، حالا نوبت آن‌هاست.

در بهره‌وری از ثواب و پاداش الهی که نباید این گونه محاسبات را به میان کشید. درست است که هر «دید»ی، «بازدید»ی دارد و هر سلامی، علیکی و هر نامه‌ای جوابی! ولی گاهی هم باید کریمانه و بزرگووارانه برخورد کرد. دیدار

مؤمن، دیدار خداست و چقدر ثواب دارد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند می‌فرماید: «ایما مسلم زار مسلماً فلیس ایاه زار، ایای زار و ثوابه علی الجنه» (همان منبع). هر مسلمانی که به دیدار مسلمانی برود، او را نه، بلکه مرا زیارت کرده است و پاداش او بر عهده من، بهشت است. چه چیزی بالاتر از این؟ دیدار مؤمن، همیای دیدار خدا!

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت است: «هر مؤمنی که به قصد دیدار مؤمن دیگر بیرون رود و او را همراه با معرفت به حقوقش زیارت کند، به پاداش هر گامش در این راه، خداوند حسنه‌ای برای او می‌نویسد و سیئه‌ای از او محو می‌کند و درجه‌ای می‌افزاید. چون در بزند، درهای آسمان به رویش باز می‌شود و چون با یکدیگر ملاقات و مصافحه و معانقه کنند، خدای متعال رو به فرشتگان کرده، مباحثات می‌کند که: دو بنده‌ام را بنگرید! به خاطر من با هم دوستی و دیدار می‌کنند. بر من است که از این پس از عذاب، مصونشان دارم؛ و چون بر گردد، فرشتگان بدرقه‌اش می‌کنند و اگر تا شب بعد، از دنیا برود، از حساب، معاف می‌شود...» (همان منبع).

وقتی دیدارها این همه فضیلت و ثواب و آثار دنیوی و اخروی دارد، چه محروم‌اند آنان که به بهانه‌های مختلف یا لجاجت‌ها و اندیشه‌های کودکانه و حقیرانه، با هم قهر یا ترك رفت و آمد می‌کنند و درهای برکت را به روی خویش می‌بندند!

گرمای دل‌ها در سایه دیدارهای ضمیمانه و معاشرت‌های مخلصانه و آمیخته به صداقت و مودت است.

کانون زندگی و خانواده‌ها را گرم‌تر کنیم، با معاشرت و مودت و دیدار...

فهرست منابع:

- اصول کافی
- میزان الحکمه
- مکارم الاخلاق
- سفینه البحار

